

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: آیه هفتم - بیان اجمالی - مفردات
تاریخ: ۲۶ فروردین ۱۳۹۶
مصادف با: ۱۷ رجب ۱۴۳۸
جلسه: ۴۷

﴿الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين﴾

آیه هفتم «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»

این آیه در یک نگاه اجمالی برای بیان صراط مستقیم است، در آیه قبل که به تفصیل توضیح آن گذشت درخواست هدایت به صراط مستقیم شده است، «اهدنا الصراط المستقیم» در این آیه خداوند متعال به توصیف صراط مستقیم پرداخته است، قهراً صراط مستقیم اگر بخواهد توصیف شود وصف کننده آن باید خداوند تبارک و تعالی باشد، اوست که می تواند صراط مستقیم را توصیف کند، آن هم به وصف جامع، چون این چیزی است که خداوند از انسان می خواهد در آن مسیر قرار بگیرد. ما نمی توانیم صراط مستقیم را بیان و توصیف کنیم، لذا چون این خواست خداست خود او باید صراط مستقیم را توصیف کند، لذا این آیه در یک نگاه اجمالی برای معرفی صراط مستقیم و توصیف صراط مستقیم است، می فرماید: (صراط مستقیم، صراط کسانی است که تو به آنها نعمت عطا کردی، نه صراط کسانی که به آنها غضب کردی و نه صراط ضالین)، یعنی کآن از سه گروه در این آیه نام برده شده است: ۱- صراط مختص منعمین، انعام شوندگان، آنهایی که خدا به آنها نعمت داده است، ۲- صراط مغضوبین، ۳- صراط ضالین، که صراط مغضوبین با صراط ضالین متفاوت است.

بیان اجمالی

این آیه یک وجه ایجابی دارد و یک وجه سلبی، صراط مستقیم، صراط کسانی است که تو به آنها انعام کردی و نه صراط غضب شوندگان تو و ضالین از سبیل تو، پس یک وجه ایجابی دارد و یک وجه سلبی.

وجه ایجابی: آنچه که فعلاً در بیان اجمالی آیه و در ابتدای بحث به نظر می رسد توجه به آن لازم است، این است که در توصیف این صراط، در واقع به خصوصیات صراط و راه اشاره نکرده است، آنچه خداوند در مقام معرفی صراط مستقیم بیان کرده، اشاره به روندگان است، نه خود راه، می گوید: صراط کسانی که به آنها نعمت دادی، راه مستقیم و صراط مستقیم، صراط آنهایی هست که به آنها نعمت دادی و نه صراط مغضوبین و نه ضالین.

نکته مهمی در تبیین صراط مستقیم این است که اشاره به روندگان و رهپویان کرده است، این بهترین نحوه بیان صراط مستقیم برای انسان است، اگر خداوند تبارک و تعالی در این توصیف می خواست خصوصیات صراط مستقیم را بیان کند، بر شمردن یک یک مختصات و ویژگی ها مشکل بود چون یک عنوان جامعی که بخواهد مبین همه آن ویژگی ها باشد وجود ندارد. گویاترین و جامع ترین توصیف از صراط مستقیم، اشاره به رهپویان این صراط و انسان هایی است که مورد

تایید خدا هستند، انبیاء، اولیاء، صلحا، شهداء و انسانهای کامل و خلفاء الهی از انبیاء و اولیاء الهی و معصومین(ع)، می‌گویند صراط مستقیم صراط اینها است، یعنی اینکه نگاه کنید به اینها و ببینید اینها چگونه زندگی می‌کنند و کرده‌اند، بنابر این از ارائه یک مختصات مفهومی صرف خارج شده است، در اینجا سبک زندگی را به ما معرفی می‌کند، صراط کسانی که تو به آنها نعمت دادی، صراط آنها یعنی سیره آنها، سبک زندگی آنها، در همه ابعاد، چطور یک انسان کامل زندگی می‌کند، خوابیدن او، عبادت او، سخن گفتن او، کار او، احسان او به دیگران، نگاه به دیگران، احترام و تکریم انسان‌های دیگر، همه آنچه که به عنوان فضایل اخلاقی و انسانی از دید خداوند مطلوب است در وجود «الذین انعمت علیهم» تجسم پیدا کرد.

وجه سلبی: وجه سلبی آن این است که، آنهایی که مورد غضب واقع شده‌اند و حیرت‌مندان و متحرین و سرگشتگان، صراط آن‌ها را هم من نمی‌خواهم، خدایا من را به صراط مستقیم که صراط کسانی هست که به آنها انعام کرده‌ای هدایت کن، نه صراط مغضوبین و نه صراط ضالین، یعنی اگر یک مغضوب و یک ضال، در معرض دید و تجزیه و تحلیل و بررسی ما قرار بگیرد، ما به هر بعدی از ابعاد زندگی او توجه کنیم، باید از آن اجتناب کنیم، آن شخصیت و روش و سیره‌ی آن شخص، چیزی است که خداوند از آنها بیزار است و ما باید از آنها دوری کنیم، یعنی رنگ الهی و صبغة الله پیدا کردن همان صراط مستقیم است که در منعین تجلی پیدا کرده است، و رنگ و بوی شیطانی و صبغة الشیطان پیدا کردن در وجود ضالین و مغضوبین.

پس بهترین بیان برای توصیف صراط مستقیم در این آیه همین است که بنده عرض کردم. خداوند به جای بیان مختصات ذاتی راه اشاره کرده به صراط روندگان و مستقرین در این صراط، به نظر بنده این بیان به زیبایی و لطافت تمام و به نحو جامع صراط مستقیم را تبیین کرده است، بهتر از این نمی‌شد صراط مستقیم معرفی شود، خدا در اینجا می‌خواهد بگوید که صراط مستقیم چیست، یعنی صراط العبودیة، والاحسان والعدل و التکریم، اگر همه فضیلت‌ها را یک به یک می‌خواست نام ببرد گویا آسان نبود، یک لفظی هم که بخواهد مبین همه این ویژگی‌ها باشد این لفظ هم پیدا نمی‌شود، بهترین راه این است که اشاره کند به کسانی که مجسمه سلوک و طی طریق در این صراط هستند، آنوقت باید به دنبال پیدا کردن آنها برویم، الذین انعمت علیهم چه کسانی هستند، مثلاً پیامبر گرامی اسلام، امیرالمؤمنین(ع)، می‌خواهی صراط مستقیم را بشناسی و از خداوند می‌خواهی تو را به این صراط هدایت کند، صراط علی و فاطمه و پیامبر را ببین، آنها هستند که انعمت علیهم می‌باشند.

مفردات آیه

طبق معمول و متعارف که ما در آیات وارد می‌شدیم، ابتدا مفردات آیه را اجمالاً بیان می‌کنیم و بعد درباره هر یک از بخش‌ها و قسمت‌های آیه ان‌شالله مطالبی که لازم باشد را عرض خواهیم کرد.

«صراط»

کلمه صراط که در این آیه آمده در واقع تکرار همان لفظ صراط است که در آیه قبل آمده است، تکرار لفظ صراط اشاره به اهمیت موضوع دارد، می‌گوید «اهدنا الصراط المستقیم»، بعد می‌فرماید «صراط الذین»، وقتی دوباره کلمه صراط را تکرار می‌کند در واقع می‌خواهد به اهمیت موضوع اشاره کند، خدایا ما را به صراط مستقیم هدایت کن، آن صراطی که این چنین است.

«أَنْعَمْتَ»

این کلمه مشتق از ماده «ن ع م» است، این ماده مشتقات بسیاری دارد که انعمت یکی از مشتقات این ماده می‌باشد، این ماده به معنای زندگی خوب و خوشگواری و نیکو بودن حال و طیب العیش می‌باشد، مقابل آن بؤس است که به معنای مطلق شدت و تنگنا است، یعنی اینکه انسان در فشار باشد، خوشگواری و نیکویی در زندگی او نباشد، اینکه انسان در تنگنا و فشار و سختی باشد و حال خوبی نداشته باشد، سوء حال داشته باشد. شرور و بدبهایی که متوجه انسان می‌شود همه در واقع از مصادیق بؤس است، چون این ناراحتی‌ها و تنگناها باعث به هم خوردن حال و بر هم زنده خوشگواری زندگی و از بین برنده طیب و حسن و عیش و حال آدمی هستند، بدی‌ها معمولاً در انسان این آثار را به جا می‌گذارند، پس نعمت در مقابل ضرر نیست و ضرر در مقابل نفع است، نعمت لزوماً به معنای نفع نیست، منفعت از این جهت از مصادیق نعمت است که موجب خوشگواری و طیب حال و حس حال انسان می‌شود، پس بین نعمت و بؤس و نفع و ضرر نباید خلط شود، نعمت معنای فراتری دارد و بؤس هم معنای عامی دارد، شرّ و ضرر از مصادیق «بؤس» هستند و نفع و خیر از مصادیق ماده «نعم» هستند.

نعمت طبق تصریح بعضی از لغویین مختص به ذوی العقول است و در غیر ذوی العقول بکار نمی‌رود، اگر هم در غیر ذوی العقول بکار رود با عنایت و مجاز است، هیچ وقت در مورد جمادات گفته نمی‌شود که خداوند این نعمت را به جمادات عطا کرد، اگر هم بکار رود مجاز می‌باشد، عمدتاً اگر نعمت استعمال می‌شود آنهم در معنای حقیقی در واقع مربوط به ذوی العقول است.

نعمت که دلالت بر نوع خاصی از خوش گواری و حس حال و طیب حال انسان است، مصادیق متعددی دارد، خواهیم گفت مثلاً ما نعمت ظاهری داریم و نعمت باطنی داریم، یا وقتی مثلاً در این آیه می‌گوید «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»^۱، این نعمت یعنی آن چیزهایی که خداوند به شما داده است و منشاء خوشگواری و حسن حال و طیب حال شما می‌باشد، و به غیر ذوی العقول و حیوانات نمی‌گوید: نعمتی که خداوند به آنها داده است.

پس «نِعْمَةٌ» بر وزن «فِعْلَةٌ»، اسم نوع است، اما «نِعْمَةٌ» بر وزن «فَعْلَةٌ» مصدر است، به معنای نیکویی حال است، همان معنایی که از اول گفتیم، هم کلمه «نِعْمَةٌ» را در قرآن داریم و هم کلمه «نِعْمَةٌ» و هر دو استعمال شده است، مثل آیه «وَإِنْ

^۱. سوره نحل: آیه ۱۸.

تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا»^۱، «وَدَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمُ قَلِيلًا»^۲، یا در آیه «وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ * وَنِعْمَةَ كَانُوا فِيهَا فَآكِهِينَ»^۳، پس «نِعْمَة» اسم نوع است و «نِعْمَة» مصدر است.

در این آیه «انعمت» بکار رفته که مصدر آن «انعام» است، و به معنای ایصال نعمت به غیر است و این تنها در جایی به کار می‌رود که آن گیرنده نعمت ذی‌العقل باشد، لذا گفتیم طبق نظر اکثر لغویین مختص به ذوی‌العقول است، شاید وجه اینکه اختصاص به ذوی‌العقول هم دارد این است که ذوی‌العقول می‌توانند، چیزی را که بحال آنها مفید و سودمند و باعث خوشگوارى آنها می‌شود تمییز دهند و بفهمند از غیر آنها اما غیر ذوی‌العقول نمی‌فهمند، لذا اطلاق انعام برای آنها معمولاً صورت نمی‌گیرد، البته فائده یک نعمت به غیر ذوی‌العقول هم ممکن است برسد، بحث در ایصال نعمت به غیر است که آن غیر از ذوی‌العقول است، اگر این چنین بود «انعام» گفته می‌شود، اما اگر کسی یک فائده یا نیکویی را به دیگری برساند که ذی‌شعور نیست در اینجا دیگر کلمه انعام بکار نمی‌رود، ممکن است مثلاً افاده و فایده رساندن بکار ببرد، یا مثلاً تمتیع و بهره رساندن.

بحث جلسه آینده

دو کلمه دیگر در این آیه وجود دارد که باید توضیح اجمالی داده شود و به سراغ مطالب دیگر برویم، یکی کلمه «مغضوب» است و دیگری کلمه «ضالین» است، این سه کلمه واژه‌های اصلی این آیه هستند «انعمت، مغضوب، ضالین»، بقیه کلمات توضیح خاصی ندارند، که ان شاء الله اینها را توضیح می‌دهیم.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره نحل: آیه ۱۸.

۲. سوره مزمل: آیه ۱۱.

۳. سوره دخان، آیه ۲۶ و ۲۷.